

در خصوص مسئله اکتشافات روحیه بیان نموده بودید روح...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۱۴۵

در خصوص مسئله اکتشافات روحیه بیان نموده بودید روح انسانی قوهء محیطه بر حقائق اشیاست آنچه مشاهده میکنی از صنایع و بدایع و آثار و کشفیات وقتی در حیز غیب بوده و امر مکنون روح انسانی کشف آن سر مکنون نموده و آنرا از حیز غیب بعالم شهود آورده مثلاً قوه بخاریه فتو غراف فنکراف تلغراف مسائل ریاضیه جمیع اینها وقتی سر مکنون و رمز مصون بوده روح انسان کشف این اسرار پنهان نموده و از غیب بشهود آورده پس معلوم شد روح انسانی قوهء محیطه است و تصرف در حقائق اشیا دارد و کشف اسرار مکنون در حیز ناسوت میکند.

اما روح الهی کشف حقائق الهیه و اسرار کونیه در حیز لاهوت مینماید امیدوارم که موفق بروح الهی گردی تا کشف اسرار لاهوت شوی و واقف باسرار ناسوت.

و سؤال از آیه ۳۰ در فصل ۱۴ از کتاب یوحنا نموده بودید که حضرت مسیح فرموده دیگر با شما بسیار صحبت نخواهم نمود چه که مالک این دنیا میآید و هیچ چیز در من ندارد مالک دنیا جمال مبارکست و هیچ چیز در من ندارد معنیش اینست که بعد از من کل از من مستفیضند اما او مستقل است و از من فیض نگیرد یعنی مستغنی از فیض من است.

و اما سؤال از کشف ارواح بعد از خلع اجسام نموده بودید البتّه آن عالم عالم کشف و شهود است زیرا حجاب از میان بر خیزد و روح انسانی مشاهده نفوس مافوق و مادون و هم رتبه را مینماید مثالش انسان وقتی که در عالم



ORIGINAL



AUDIO

رحم بود حجاب در بصر داشت و جمیع اشیاء مستور چون از عالم رحم تولّد شد باینجهان آمد اینعالم بالنسبه بعالم رحم عالم کشف و شهود است لهذا مشاهده جمیع اشیا را ببصر ظاهر مینماید بهمچنین چون از این عالم بعالم دیگر رحلت کرد آنچه در اینعالم مستور بوده در آنعالم مکشوف گردد در آن عالم بنظر بصیرت جمیع اشیا را ادراک و مشاهده خواهد نمود اقران و امثال و مافوق خود و مادون خویش را مشاهده خواهد کرد و اما تساوی ارواح در عالم اعلی مقصود اینست که ارواح مؤمنین در وقت ظهور در عالم جسد متساویند و کلّ طیب و طاهر اما در اینعالم امتیاز پیدا خواهند کرد بعضی مقام اعلی یابند و بعضی حدّ اوسط جویند و یا در بدایت مراتب مانند این تساوی در مبدء وجود است و این امتیاز بعد از صعود.

و در خصوص ساعیر مرقوم نموده بودید ساعیر محلیست در جهت ناصره در جلیل واقع .

و اما در خصوص بیان ایوب که در آیه ۲۵ / ۲۷ در فصل ۱۹ میفرماید اما من دانستم که ولی من زنده است و عاقبت بر زمین قیام خواهد نمود ولی در اینجا مراد اینست که من مخدول نخواهم ماند و ولی و ظهیر دارم و ناصر و معین من عاقبت ظاهر خواهد گشت و حال با وجود آنکه جسم ضعیف گشته و کرم افتاده بعد از این شفا خواهم یافت و باین چشم خود یعنی بصیرت خویش او را خواهم دید این بیان بعد از آنست که او را ملامت نمودند و خود او نیز از صدمه بلایای خویش ذکر نمود و چون بجسدش از شدت مرض کرم افتاده بود خواست بفرماید که من از جمیع امراض شفا خواهم یافت و در همین جسد بچشم خود ولی خود را خواهم دید.

و اما زنیکه به بیابان خواهد رفت در مکاشفات یوحنا در اصحاح ثانی عشر مذکور و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد زنیکه آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پاهایش مراد از این زن شریعت الله است زیرا باصطلاح کتب مقدسه کتایه از شریعت الله است که در اینجا تعبیر زن شده است و دو کوكب شمس و قمر یعنی دو سلطنت ترک و فرس در ظلّ شریعت الله هستند شمس علامت دولت فرس است و قمر که هلال باشد علامت دولت ترک و دوازده اکیلی دوازده امامند که مانند حواریین تأیید دین الله نمودند و ولد مولود جمال معبود است که از شریعت الله تولّد یافته بعد میفرماید که آن زن فرار به بریه کرد یعنی شریعت الله از فلسطین بصحرای حجازانتقال نمود و در آنجا هزار دوپست شصت سال اقامت کرد یعنی تا یوم ظهور ولد موعود و این معلومست که در کتاب مقدس هر روز عبارت از یکسالست *